

فصلنامه علمی تخصصی دین و رسانه

مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما

تابستان ۱۳۹۳، شماره ۷، صفحه ۳۱

بررسی فقهی بازنمایی چهره معصومان علیهم السلام در فیلم و سریال

مریم آخوندی*

// چکیده:

به تصویر کشیدن سیمای معصومان علیهم السلام و تالی تلو آنها در سریال‌ها و فیلم‌ها یکی از مسائل عمیق و مستحدثه فقهی است که همواره در تولید محصولات تصویری با چالش روبه‌رو بوده است. این نوشتار تلاش کرده است، پس از بیان عظمت و جایگاه والای این افراد، از این منظر این مسئله را مورد کنکاش و مذاقه قرار دهد و دلایل حرمت یا حلیت آن را بررسی کند. به راستی تصویرگری چهره معصومان علیهم السلام و تالی تلو آنها یعنی کسانی که از نظر گفتار و کردار معصوم بودند، در نگاه اول امری حرام و ممنوع محسوب نمی‌شود، اما وجود برخی ملاک‌ها و عناوین محرمه که در موضوع دخیل و به صورت طبیعی همراه با آن هستند، باعث شد حرمت این مسئله بررسی و کنکاش شود.

واژگان کلیدی

تصویرگری، رسانه، چهره‌های مقدس، معصومان علیهم السلام، عصمت

// مقدمه

جهان امروز، جهان تصویر است. عصاره عصری که از آن با عنوان عصر انفجار اطلاعات یاد می‌شود. به عبارتی جذاب‌ترین، کارآمدترین و ماندگارترین شیوه بیان و ارائه اطلاعات به مخاطبان هزاره سوم را می‌توان جادوی تصویر نامید.

در دنیای امروز، تمرکز کار و استراحت‌ها بر رسانه‌های تصویری است. تجربه امروز زندگی، بیشتر تصویری است و واقعی نیست؛ یعنی به صورت مجازی و با کمک تصویر و رسانه‌های تصویری در حال زندگی کردن و مشاهده زمان حال و حتی گذشته هستیم. برای نمونه به وسیله تصویر به شهرها، کشورها، قاره‌ها و مانند آن سفر می‌کنیم، با آداب و رسوم ملل مختلف آشنا می‌شویم، شخصیت‌های برجسته گذشته و حال را می‌شناسیم و ... بی‌شک عمده‌ترین و شاخص‌ترین مصادیق تصویر، در عصر حاضر می‌تواند تلویزیون و سینما باشد که هدف متعالی رسانه دینی و ملی را در نظر دارند.

اگرچه می‌توان بر این نکته تأکید ورزید که وسایل ارتباط جمعی تصویری در حیات اجتماعی انسان‌ها، مانند یکی از اجزای ضروری و جدایی‌ناپذیر زندگی درآمده و از مهم‌ترین راه‌های کسب آگاهی و اطلاعات و از توانمندترین منابع معرفتی بشر به شمار می‌آیند. همان‌طور که «مک لوهان»، بشر عصر تکنولوژی را در معرض حمله و هجوم اطلاعات گسترده، فراوان و نامحدودی می‌بیند که چون دریایی خروشان او را احاطه کرده‌اند. (آخوندی، 1386: 10)

حال اگر با منشور دالگرن به رسانه‌های جمعی تصویری نگاه کنیم، دریافت اطلاعات و چگونگی دریافت آنها یا به عبارتی صنعت رسانه‌های جمعی؛ یعنی تولید و مجموعه متون دیداری و شنیداری، تنها دو بخش از مطالعه رسانه‌های جمعی را در بر می‌گیرد و بخش مهم‌تر که باید مورد تأمل قرار بگیرد، مربوط به تجربه اجتماعی - فرهنگی مخاطبان است. (دالگرن، 1380: 46) تجربه اجتماعی - فرهنگی در ارتباط مستقیم با متون دیداری و شنیداری است و سلبی یا ایجابی بودن آن نیز به طور کامل از همین متون و محتوای ارائه شده از سوی رسانه‌های جمعی اثر می‌پذیرد. به راستی تجربه اجتماعی - فرهنگی به مخاطبان رسانه‌های جمعی توجه دارد و به این معنی است که بدانیم مخاطبان از برنامه‌های رسانه‌های جمعی، چه معنایی دریافت‌اند و سپس بدانیم این برنامه‌ها چه تأثیراتی را برای مخاطبان خود گذاشته‌اند. (همان، 70)

همه می‌دانیم رسانه‌های جمعی، فارغ از یک نگاه افراطی یا تقریبی، خوش‌بینانه یا بدبینانه بر روی مخاطبان خود تأثیر دارند و می‌توانند به مانند الگویی در زندگی مخاطبان مطرح شوند و تصاویر ذهنی آنان را نسبت به تمام مفاهیم مادی و معنوی دگرگون کنند و تصویر جدیدی جایگزین آن نمایند. بنابراین، با توجه به جایگاه رسانه‌های جمعی و به ویژه تصویری، نظریه‌پردازی تجویزی برای ترسیم وظایف و باید‌ها و نبایدهای وسایل ارتباط جمعی، باید مبتنی بر جهان‌بینی و نوع نگاهی باشد که ما به همه یک چرخه ارتباطی و نظام رسانه‌های جمعی داریم. بی‌شک مقتضیات مکانی و خاستگاه قرارگیری رسانه، بر عملکرد رسانه و محتوای ارائه شده از سوی آن اثر می‌گذارد. به راستی از آنجا که ساخت و نحوه عمل نهادهای تشکیل‌دهنده هر جامعه، انعکاسی از باورها، ارزش‌ها و هنجارهای یک جامعه می‌شود، رسانه باید در چارچوب هنجارها و اصول و ایدئولوژی‌های پذیرفته شده جامعه، حرکت و عمل کند. در کشور ما نیز که بر اساس پشتوانه‌های دینی و شیعی شکل گرفته و بر اصول آن استوار است، اهتمام به رعایت باید‌ها و نبایدهای دین باید در اولویت فعالیت‌های رسانه‌ای قرار گیرد.

در میان حجم وسیع موضوعات موجود، در تعامل میان ابعاد دین و رسانه، نوشتار حاضر، قصد دارد به این مسئله بپردازد که آیا رسانه در برابر دین، معرفی شخصیت‌ها و الگوهای دینی و معصومان علیهم السلام و تالی تلو آنها تعهدی دارد یا باید داشته باشد؟ آیا رسانه، ابزاری مناسب برای طرح این مسئله است؟ با فرض پاسخ مثبت به این پرسش‌ها، آیا منبع معتبر و موثقی برای خلق یک تصویر واقعی وجود دارد؟ و با فرض یافتن منابع معتبر، آیا از نظر فقهی، برای انجام تصویرگری از این اشخاص مجوز وجود دارد؟ احکام فقهی درباره نمایش هر یک از معصومان و یا تالی تلو آنها به چه صورت است؟ آیا ایجاد جذابیت بیشتر در نمایش‌های تصویری و اثرگذاری بر مخاطب، می‌تواند مجوزی برای نمایش چهره معصومان علیهم السلام باشد؟ فیلمسازان تا کجا مجاز هستند به آن بپردازند و حد و مرز این موضوع تا کجاست؟ برای ارائه زندگی معصومان علیهم السلام و تالی تلو آنها با حفظ حدود فقهی چه راه حلی وجود دارد؟

در پاسخ به پرسش‌های موجود، در متن اصلی نوشتار دو بحث مطرح خواهد شد: نخست مشخص کردن مفهوم چهره‌های مقدس، دوم تعیین مصادیق حرمت یا حلیت نمایش چهره‌های مقدس و ارائه راهکار جهت نمایش.

// تعریف مفاهیم

// الف) رسانه

منظور از رسانه، فناوری‌های مربوط به تمدن جدید برای انتقال پیام است و مخاطبان آن انبوه، وسیع، فراوان و نامتناجس هستند. رسانه‌ها برای ارتباط‌های بزرگ، در محدوده جغرافیایی گسترده به کار می‌روند و اصطلاحاً به آنها رسانه‌های جمعی یا توده‌ای گفته می‌شود. از میان انواع رسانه‌های جمعی موجود، منظور رسانه‌های جمعی تصویری است که در انتقال پیام مورد نظر، از شیوه و ابزار ارتباطی تصاویر متحرک استفاده می‌کنند و سعی دارند پیام و محتوای مورد نظر را به علامت‌های تصویری تبدیل و به مخاطب منتقل کنند؛ مانند سینما و تلویزیون.

// ب) تصویر و تمثال

فقیه گرانقدر مرحوم شیخ انصاری در کتاب ارزشمند مکاسب، تصویر را این چنین تعریف می‌کند: تصویر دو قسم است. مجسم و غیر مجسم. تصویر مجسم مانند بت که از سنگ و چوب و ... ساخته می‌شود. تصویر غیر مجسم نیز آن چیزی است که بر روی کاغذ و چوب و سنگ ترسیم شده و نقاشی نامیده می‌شود. تمثال بر هر دو مجسم و غیر مجسم اطلاق می‌شود. ¹ (1415: 23) شمایل‌نگاری و تصویرگری نیز در یک تعریف فراگیر، همان کشیدن و نمایش صورت است، ولی بیشتر ویژه شخصیت‌های مذهبی است. در اندیشه عالمان دینی شمایل‌نگاری و تصویرگری مسئله‌ای اعتقادی و فقهی است که در منابع فقهی مورد بحث و توجه فقیهان قرار گرفته است.

آنچه در این پژوهش و نوشتار مورد بررسی و توجه قرار گرفته، چیزی فراتر از یک نقاشی صرف و در حالت سکون است؛ بلکه موضوع این نوشتار تصویرگری تصاویر متحرک است که بیشتر در رسانه در قالب فیلم و سریال نمود و تمرکز یافته و تبدیل به چالش شده است؛ با توجه به این نکته که موضوع تعزیه از گستره این نوشتار خارج است.

// ج) چهره‌های مقدس (معصومان)

منظور از چهره‌های مقدس، افرادی هستند که به مذهب اسلام و به طور ویژه به شیعه مربوط می‌شوند و در جایگاه رهبران و الگوهای دینی مردم شناخته می‌شوند و باید آنها را در تاریخ اعتقادی خود جست‌وجو کرد.

چهره‌های مقدس در این نوشتار، شامل معصومان، یعنی پیامبران الهی از آدم علیه السلام تا حضرت پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و حضرت فاطمه زهرا علیها السلام و دوازده امام و تالی تلو آنها مانند حضرت ابوالفضل علیه السلام، حضرت زینب علیها السلام، حضرت علی اکبر علیه السلام، و همچنین افراد برجسته‌ای که شاید به طور مستقیم از آنها تعبیر به معصوم نشده باشد، اما اخبار و روایت‌هایی که دلیل بر مقام عصمت و قریب به عصمت بودن آنها است، وجود دارد.

// د) عصمت

عصمت برای رهبران برگزیده از سوی خداوند ضروری است. عصمت در نگاه شیعی، ملکه نفسانی نیرومندی است که معصومان را از آغاز تولد تا پایان عمر از همه گناهان اعم از کبیره و صغیره نگاه می‌دارد. چنین ملکه‌ای با عنایت ویژه خداوند تحقق می‌یابد. (مصباح، 1381: 96) ضرورت عصمت به دلیل عقلی جنبه هدایت‌گری معصومان است و اینکه طبق مفاد آیه «لا ینال عهد الظالمین» (بقره: 124) صاحبان مقام الهی همچون نبوت و امامت ظالم نیستند، ظلم شامل ظلم به نفس و ظلم به دیگران می‌شود. پس پیامبر و امام باید از هر گونه ظلم به نفس؛ یعنی گناه و ظلم به دیگران پیراسته باشند و این همان مقام عصمت است.

// جایگاه و منزلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامان شیعه

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامان شیعه علیه السلام، انسان‌های کاملی هستند که قطب عالم امکان و واسطه فیض میان خداوند و مردم می‌باشند و تداوم فیض، وجود و قوام آسمان، استقرار زمین، نزول برکات و نعمت‌های خدا همگی در پرتو وجود آنهاست. (جوادی آملی، 1374: 29)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دارای مقام خاتمیت است و خاتمیت هم خاتمیت زمانی و هم خاتمیت رتبی در قوس صعود را شامل می‌شود؛ یعنی پایان صحیفه رسالت انبیا. او الگویی جهانیان است. 2 او را نخستین مسلمان می‌شمارند. 3 یعنی در رتبه وجودی او هیچ کس قرار ندارد و مقام خاتم تا اندازه‌ای بالا و والا است که آفریدگار هستی و تمام فرشتگان بر او درود می‌فرستند و خداوند به همه مؤمنان دستور می‌دهد که آنها هم بر پیامبر درود بفرستند. 4 در روایات گوناگون رسول اعظم و اهل بیت علیهم السلام به عنوان برترین مخلوقات و عامل اصلی آفرینش هستی معرفی شده‌اند.

در حدیثی از امام باقر علیه السلام خطاب به جابر می‌خوانیم که خداوند به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، به عزت و جلالش سوگند یاد کرده است که اگر تو و علی علیه السلام نبودید، بهشت و جهنم، مکان و زمان، آسمان و ملائکه را خلق نمی‌کردم. 5 (مجلسی، 1403: 17)

همچنین خداوند در حدیث قدسی مقام شامخ و عالی رتبه این سفیران هدایت را این‌گونه وصف می‌کند: «ای احمد اگر تو نبود، افلاک و کائنات را نمی‌آفریدم و اگر علی نبود، تو را و اگر فاطمه نبود، هر دوی شما را خلق نمی‌کردم». (التمیزی الشاهرودی، 1366: 169) و (المسعودی، 1384: 231)

نخستین نکته که از روایات یادشده به دست می‌آید، بیان یک تفسیر روشن و ملموس از هدف خلقت است. در سوره زاریات آیه 56، هدف از خلقت، بندگی خدا بیان می‌شود و سرانجام بندگی، اوج تکامل انسان و قرب به حضرت حق است. (مکارم شیرازی، 1367: 387) حال این هدف متعالی خلقت در وجود مقدس برترین انسان‌ها در آفرینش - که عصمت و طهارت آنها توسط قرآن امضا شده - 6 محقق شده است. به عبارت دیگر، انسان کامل، هدف اصلی از خلقت عالم، کانون اصلی توجه، مجرای اراده او و واسطه فیض و رحمت الهی در عالم خلقت شمرده می‌شود.

در وصف جایگاه برترین الگوهای انسان، برخی حکما و عرفا این‌گونه توضیح داده‌اند که اگر برای وحدت عالم نبود، کثرت تحقق نمی‌یافت. سنجیت علت و معلول اقتضا می‌کند، میان علت نخستین جهان که در همه صفات یگانه است و هرگز تکثر در او نیست و میان معلومات عالم که منکثرات و مختلفات می‌باشند یک جهت وحدتی تحقق داشته باشد، که از جهتی ارتباط با وحدت کل و از جهتی تناسب با عالم کثرت داشته باشد و این امر فقط در عالم نفس متحقق است و این کار هر موجودی نیست، بلکه فقط نفوس پیامبر و اهل بیت هستند که می‌توانند این مهم را به عهده گیرند. پس اگر نفوس پیامبر نبود، جهت وحدت عالم تحقق نمی‌یافت و آن گاه کثرات هم تحقق نمی‌یافت. (المسعودی، 1384: 334)

درباره دیگر انبیا و پیامبران الهی نیز، قرآن با تعبیر برگزیده شدن در جهانیان از آنها یاد می‌کند. 7 که این برگزین، ممکن است هم از نظر تکوینی و هم از نظر تشریحی باشد؛ یعنی خداوند آفرینش آنها را از آغاز، آفرینش ممتازی قرار داده است. (مکارم شیرازی، 1368: 389)

همچنین افراد دیگری هستند که اگر چه از چهارده معصوم به شمار نمی‌روند و در زمره انبیا الهی نیستند، اما جایگاه بلندی دارند، عصمت از گناه داشتند و به لحاظ گفتار و کردار مانند معصوم عمل کردند و به اصطلاح به آنها، «تالی تلو معصوم» گفته می‌شود. البته در این نوشتار با توجه به موضوع مورد بحث منظور از تالی تلو معصوم، افرادی چون حضرت ابوالفضل علیه السلام، حضرت زینب علیها السلام، حضرت علی اکبر علیه السلام، حضرت معصومه علیها السلام و ... هستند که در تاریخ اسلام، جایگاه بلند و وارسته‌شان همواره یادآوری و ثبت شده است. سجایای والایی نفسانی، فات، کمالات پر ارج انسانی و الهی، نقش بسیار حساس و حیاتی آنان تا جایی است که اندیشه ما قدرت درک عمیق و دقیق آن را ندارد و از ذات مقام و سجایایشان جز باری تعالی و حضرات معصومان علیهم السلام کسی آگاه نیست.

در ادامه نوشتار، نگارنده گرچه به یقین توانایی وصف این بزرگواران را نخواهد داشت خواهد بود و حق مطلب ادا نخواهد شد؛ اما به منظور آشنایی و یادآوری هر چند سطحی جایگاه و اهمیت این بزرگواران به پاره‌های موارد مهم و اساسی اشاره می‌شود.

برای نمونه، در زیارت حضرت ابوالفضل علیه السلام بزرگترین و والاترین مقام بندگان خاص و اولیای الهی را به آن حضرت نسبت می‌دهیم؛ یعنی «عید صالح» که پروردگار برای عظمت مقام انبیا عظام و حتی رسول گرامی اسلام، آنان را به این مرتبت عظیم معرفی کرده است.

امام سجاد علیه السلام در ترسیم جایگاه حضرت ابوالفضل علیه السلام می‌فرماید: «عموم عباس علیه السلام نزد خداوند مقامی دارد که روز قیامت، همه شهیدان به آن غبطه می‌خورند و رشک می‌برند. (مجلسی، 1403: 298) یا فارغ از مباحث مربوط به معنویت، عبادت، اخلاق و ... حضرت زینب علیها السلام؛ که سخن در این باره بسیار فراوان است، امام سجاد علیه السلام، حضرت زینب علیها السلام را فردی معرفی می‌کند که علم خود را در مکتب و مدرسه‌های نیاموخته و از دانشمندی فرانگرفته است. 8 (مجلسی، 1403: 64) و به این شکل دانش حضرت زینب علیها السلام از دسته علوم معصومان علیهم السلام؛ یعنی علم لدنی شمرده می‌شود که از مجرای غیب به قلب مقدس حضرت نازل می‌شده است.

و همچنین است مقام حضرت علی اکبر علیه السلام که از حیث آفرینش، خلق و خو و منطق شبیه‌ترین مردم به رسول اکرم صلی الله علیه و آله بوده است و یا حضرت معصومه علیها السلام که علمش لدنی و زیارتش برابر با قرار گرفتن در بهشت شمرده می‌شود که برای توصیف و روایت ویژگی‌های این بزرگواران فرصتی نیست.

پرداختن به جایگاه این الگوهای کامل به این اختصار، فقط بدین دلیل است که باید نگاهمان به معصومان غیر از نگاهی باشد که به دیگران داریم. اینان قابل قیاس و هم‌تراز با دیگران نیستند. همچنان‌که امیر مؤمنان علی علیه السلام در خطبه‌ای به مردم فرمودند: «هیچ کس از این امت با آل محمد قابل قیاس نیست». 9 (1379: 44)

// فتوای فقیهان

در این بستر، به دو موضوع فتوای فقیهان پرداخته شده و در قالب استفتاء، آمده است: الف: در مورد تصاویر و عکس ب: در مورد فیلم و تصویرگری

// الف) احکام مربوط به تصویرهای نسبت داده شده منسوب به معصومان علیهم السلام

پرسش: تهیه و فروش تصاویر منسوب به ائمه معصومان علیهم السلام و نصب آنها در مراکز دولتی چه حکمی دارد؟
 آیت الله خامنه‌ای: این کار فی‌نفسه از نظر شرعی اشکال ندارد؛ به شرط اینکه مشتمل بر اموری که از نظر عرف، اهانت و بی‌احترامی محسوب می‌شود؛ نبوده و با شأن آن بزرگواران منافات نداشته باشد. (1380: 38)

پرسش: نصب عکس‌های منسوب به ائمه معصومان علیهم السلام که چاپ و منتشر می‌شود، در حسینیه‌ها و هیئت‌های عزاداری چگونه است؟
 آیت الله فاضل: مانعی ندارد، هر چند انتساب آنها به معصومان علیهم السلام اعتباری ندارد.
 آیت الله سیستانی: اگر مشتمل بر هتک نباشد، اشکال ندارد.
 آیت الله تبریزی: اگر مقصود این است که تذکر و یادآوری آن بزرگواران باشد، مانعی ندارد ولی اگر معتقد باشد که این عکس‌های واقعی ائمه علیهم السلام است، این عقیده صحیح نیست و خطا است. (محمودی، 1380: 105)

آیت الله مکارم: چنانچه تصاویر نامناسبی نباشد و نسبت قطعی به آن بزرگواران ندهند، اشکالی ندارد. (1388: 28)

عکس‌هایی که در مورد ائمه و امامان علیه السلام می‌کشند، چه حکمی دارد؟

آیت الله نوری: این عکس‌ها و نقاشی‌ها درست نیست و اصلی ندارد. (1388: 165)

با توجه به آنچه گفته شد، ملاک جواز و عدم جواز رسم تصاویر معصومان علیهم السلام و تالی تلو آنها را می‌توان از دو منظر با دو ملاک بررسی کرد: 1. جایگاه و منزلت معصومان علیهم السلام 2. مخاطب

ترسیم عکس چهره افراد مقدس، از نظر فقهایی بزرگوار، از سویی به جایگاه و قداست این بزرگواران برمی‌گردد که به نوعی فرسندده را هدف قرار می‌دهد. اگر اهانتی به مقام برجسته این افراد صورت نگیرد و عکس به تصویر کشیده شده، توانسته باشد ابهت و چهره والای الهی آنان را به ظهور رسانده و روایت کرده باشد، جایز است و البته ملاک تشخیص این مسئله برعهده عرف متشرعه است که واجد قدرت تمیز و تشخیص هستند. جدا از این ملاک، ملاک دومی وجود دارد و آن مخاطب است؛ نوع برخورد مخاطب با تصویر و خوانش آن نیز باید دارای شرایطی باشد. در مرحله اول بیننده باید به این شبهه که آیا این تصاویر، تصاویر واقعی معصومان علیهم السلام هستند، چنین بنگرد که تصویر پیش‌روی او واقعیت ندارد؛ به عبارت دیگر، با این گونه عکس‌ها و تصاویر به نوعی برخورد نکند که گویا چهره واقعی این بزرگواران است که در طول تاریخ به تصویر کشیده شده و در طی اعصار به دست آنها رسیده است و سرانجام به مانند یک سند مستند و مقدس با آن برخورد کند و روبه‌رو شود! همچنان که در فتاوی آیات عظم تبریزی، نوری و مکارم به این ملاک تصریح شده است.

ب: احکام مربوط به نمایش چهره‌های معصومان علیهم السلام و تالی تلو آنها در فیلم‌ها در بررسی‌های انجام شده و استفتائاتی که از محضرشان شده، نظر برخی از علماء، پیرامون مسئله شمایل‌نگاری و تصویرگری چهره‌های مقدس به دست آمده است که از منظر تالی می‌گذرد.

پرسش: برای آنکه مقام معنوی و شئون ائمه و پیامبران محفوظ بماند، در ساختن فیلم زندگی آنان چه نکات و ضوابطی لازم است رعایت شود؟
آیت الله بهجت رحمه الله: باید عمل به هیچ وجه حرام نباشد و دلالت بر خلاف واقع - که به منزله دروغ است - نداشته باشد و اهانت به مقام شامخ معصومان نزد متشرعه نباشد. (220: 1428)

آیت الله جوادی آملی: در مورد نمایش چهره معصومان علیه السلام می‌فرمایند: نمایش چهره معصومان در افرادی که نماز نمی‌خوانند یا روزه نمی‌گیرند، هتک است، اما اگر اهل روزه و نماز باشند، نشان دادن چهره هیچ منعی ندارد. اگر از بازی و سرگرمی فقط به هنر برسیم، آنگاه نشان دادن صورت‌ها، هیچ منعی ندارد. هنرمند واقعی نیز، هنرمندی است که توانایی درک سخن وحی را داشته باشد و به عالم حس بیاورد و البته ما هنرمندی نداشتیم که بتواند مفاهیم وحی را از مرحله شهود به عقل و عقل را به مرحله خیال بیاورد و خیال را حسی کند. یک هنرمند باید وحی را خوب بشناسد. مشهود را از دانایی صحیح به معقول تبدیل کند و بعد معقول را متخیل و متخیل را محسوس کند تا قابل عرضه باشد که در غیر این صورت علمی نیست. (جوادی آملی، 1390)

پرسش: ما تصمیم به ساخت یک فیلم داستانی و حماسی گرفته‌ایم که حادثه جاوید کربلا را ترسیم کرده و اهداف بزرگی را که امام حسین علیه السلام به خاطر آنها به شهادت رسید، بیان کند. با توجه به اینکه شخصیت امام حسین علیه السلام در این فیلم به صورت فردی عادل و قابل رؤیت با چشم نشان داده نشده؛ بلکه در همه مراحل فیلم‌برداری، تولید و نورپردازی به صورت شخصیتی نورانی نشان داده شده است، آیا ساخت این فیلم و نشان دادن شخصیت امام حسین علیه السلام با این کیفیت جایز است؟

آیت الله خامنه‌ای: اگر فیلم بر اساس منابع مستند و با حفظ قداست موضوع و مراعات مقام و منزلت والای امام و اصحاب و اهل بیت علیهم السلام ساخته شده، اشکال ندارد؛ ولی چون حفظ قداست موضوع چنانکه شایسته آن است و حفظ حرمت امام و اصحاب او بسیار مشکل است، بنابراین باید در این زمینه احتیاط شود.

پرسش: نمایش دادن چهره کامل انبیا الهی، رسول اکرم صلی الله علیه و آله، حضرت زهرا علیها السلام، ائمه اطهار علیهم السلام و افرادی که در جایگاه معصوم قرار دارند، مانند حضرت ابوالفضل علیه السلام، حضرت علی اکبر علیه السلام، حضرت زینب علیها السلام و مانند آنها در فیلم در حالات زیر چه حکمی دارد؟

1. نمایش دادن چهره کامل همراه با گریم، به گونه‌ای که تماشاگر با کمی دقت، مصنوعی بودن آن را بفهمد.

2. نمایش دادن چهره کامل بدون هیچ‌گونه تغییر در چهره‌پردازی؟

3. استفاده از اشخاصی که در تمام مدت بازیگری خود، فقط نقش معصومان و نقش‌های مثبت را بازی می‌کنند.

آیت الله صافی: به طور کلی نشان دادن چهره انبیا و رسول اکرم صلی الله علیه و آله، و حضرات ائمه معصومان و سایر اهل بیت، چون در معرض اهانت و تحریف بعضی حقایق است، خودداری از آن اولی است و اگر هتک حرمت باشد، جایز نیست.

نشان دادن چهره حضرت زهرا علیها السلام، اهانت به آن حضرت است و باید ترک شود و نشان دادن چهره پیامبر و ائمه علیهم السلام چون حاکی از چهره واقعی آن بزرگواران نیست و به اختلاف کسانی که خود را شبیه ایشان می‌نمایند چهره‌های گوناگون که بسا برخی از آنها نامناسب است، ارائه می‌شود و اشخاصی که در نقش شبیه آنها عمل می‌کنند، گاه در بین مردم اعتبار اخلاقی ندارند و حتی ممکن است اشخاصی باشند که سوابق خوبی در جامعه ندارد و خلاصه به جهات متعدد، موجب اهانت و تحریف بعضی حقایق می‌شود، لذا مورد تجویز نیست. (1385: 139)

آیت الله مکارم: نشان دادن چهره کامل معصومان و بزرگان اسلام که تالی تلو آنها هستند، در هر صورت شرعاً اشکال دارد هر چند در بعضی موارد اشکال شدیدتر و در بعضی موارد کمتر است، زیرا اولاً در عرف عمومی جامعه نوعی اهانت محسوب می‌شود و ثانیاً هیچ اطمینانی نیست که چنین افرادی فردا در چه نقشی بازی می‌کنند و یا چه اعمالی در زندگی روزمره خود مرتکب می‌شوند که همان مایه اعتراض مردم می‌شود و از این گذشته اصراری برای این موضوع نباید داشت؛ زیرا ضرورتی ندارد و این بسا نشان دادن چهره در هاله‌ای از نور بر ابهت آنها بیفزاید.

آیت الله نوری: در فرض سؤال همه موارد ذکر شده اشکال دارد، زیرا حضرات ائمه اطهار علیهم السلام و همچنین انبیا علیهم السلام دارای مزایایی هستند که هیچ فیلمی قدرت تصویر آنها را ندارد و این دستگاه‌ها فقط در اجسام و تجسم کارایی دارند و امتیاز و شخصیت آنها با همان مزایا است که ذکر شد.

آیت الله وحید: در فرض سؤال، هیچ کدام جایز نیست. 10

// نتیجه‌گیری

به نظر می‌رسد در مرحله نخست نمی‌توان گفت نمایش چهره‌های برجسته و معصوم از نظر فقه شیعه امری حرام باشد؛ به عبارت دیگر نشان دادن چهره این گونه افراد فی نفسه مشکلی ندارد، اگر زیرمجموعه دیگر کارهای حرام قرار نگیرد.

به راستی نکته اصلی که با توجه و بررسی عمیق در فتاوی فقه استنتاج می‌شود، وجود نوعی نگاه احترام به شخصیت والا و بی‌بدیل این انوار الهی است که واسطه فیض میان زمین و آسمان و حجت‌های خداوند در زمین هستند و همین مسئله این موضوع را هم در بخش استاتیک شمایل‌نگاری و تصویرگری و هم در بخش دینامیک آن همواره به چالش کشیده است. ولی آنچه سبب حرمت شمایل‌نگاری و تصویرگری چهره معصومان علیهم السلام و تالی تلو آنها در فیلم‌ها و سریال‌ها می‌شود، وجود برخی عناوین محرمه است که خواسته یا ناخواسته در موضوع دخالت دارند؛ چه بسا که برای نقاشی و

تصویرگری در بعد ایستا یعنی تجسم بدون حرکت و نداشتن رفتار، شاید چنین حرمتی متصور نباشد، البته بدان شرط که با منابع و مضامین و ملاک‌های اصیل شیعی هماهنگ باشد و باعث هتک حرمت به مقدسات نشود!

از آنجا که در سطح تصویرگری پویا، قرار است شخصیت درونی این بزرگان روایت شود و این نکته در بخش درونی و بیرونی نیز بازتاب یابد، بنابراین دیگر عناوین محرمه نمود می‌یابد که در سه سطح «جایگاه معصومان علیهم السلام»، «مخاطب» و «بازیگران» مطرح می‌شود. اما آنچه در اینجا بحث تصویرگری چهره‌های مقدس به صورت پویا را تبدیل به یک مسئله فقهی مستحدثه می‌سازد و باعث جدایی آن از احکام مربوط به عکس می‌شود علاوه بر قداست، موضوع بازیگران و مخاطب است که در ادامه به آن اشاره خواهد شد.

1. معصومان علیهم السلام و تالی تلو آنها در جامعه دینی ما - با توجه به جایگاه و منزلتی که یادشده نزد مخاطب مقدس هستند و مردم، این ذات‌های مقدس را بسیار احترام می‌کنند. قائل هستند. از این رو، ادب و تربیت دینی، چنین کاری را بر نمی‌تابد و خلاف آداب و عرف منتشره شمرده می‌شود. همچنین انجام چنین عملی در عرف جامعه، نوعی اهانت است و این کار از نظر مردم باایمان، آگاه و متدین مشکل آفرین است. (مکارم 1383: 598) یعنی ملاک تشخیص همان عرف مؤمن و منتشره با قوه تشخیص است. چرا که امری فراتر از محسوس، نازل و عادی جلوه داده می‌شود و در ردیف موجودات و انسان‌های دیگر، پایین می‌آید.

2. نمایش چهره‌های مقدس سبب سازگاری مصداق با بازیگر صالح یا مفسد می‌شود؛ یعنی نخست بازیگری که در نقش افراد معصوم و تالی تلو آنها بازی می‌کند، معلوم نیست در آینده در چه نقش‌هایی ظاهر می‌شود که چه بسا مبتدل نیز باشد. دوم اینکه اگر فرض کنیم که در آینده نیز چنین بازیگری فقط در نقش معصومان علیهم السلام ظاهر خواهد شد، اما بی‌شک همه معتقد هستیم که بازیگر مقدس نیست و به حکم قرار گرفتن در جایگاه یک انسان معمولی و فاقد عصمت، اشتباه‌ها و گناهانی هر چند کوچک در زندگی معمولی خود انجام می‌دهد. در نتیجه چنین فردی علاوه بر اینکه قادر نخواهد بود کمالات ائمه و معصومان را منعکس سازد و بر زندگی مخاطبان خود تأثیرگذار باشد، مصداقی دیگر از توهین و هتک حرمت نیز شمرده می‌شود و با اعتراض عرف متدین و منتشره روبه‌رو خواهد شد.

3. یکی دیگر از ملاک‌ها و عناوین محرمه که هم موجب توهین به مقام این بزرگواران و تالی فاسد می‌شود و هم بر مورد بالا مهر تأیید می‌نهد، بحث تداعی برای مخاطب است. اگر یک پژوهش میدانی کوچک پیرامون شخصیت‌های برجسته‌ای که زندگی آنها به تصویر کشیده شده است، مانند حضرت مریم علیها السلام، حضرت یعقوب علیه السلام، حضرت ابراهیم علیه السلام و ... انجام شود، نزدیک به بیشتر مخاطبان اگر در فیلم‌ها و تصویر بعدی، بازیگر جایگزین همین افراد را در نقش‌های دیگر و چه بسا نقش‌های ناپسند مشاهده کنند، به سرعت شخصیت تجسم‌یافته این بزرگان در ذهن شان یادآوری و تکرار می‌شود و حتی ممکن است بازیگر را با نام همان امام یا پیامبر و ... خطاب کنند! مسلم است این نکته با شخصیت قدسی و آسمانی این افراد در تضاد است.

البته در این میان شاید عده‌ای مسئله تداعی را نپذیرند و معتقد به قدرت فهم و شعور فوق العاده مخاطب باشند. به این معنی که مخاطب می‌داند که بازیگر در حالی بازی کردن است و چون بازیگری یک شغل و حرفه برای او تعریف شده است، ممکن است چند روز آینده نقشی دیگر در تضاد با نقش‌های مقدس بازی کند و این مسئله امری اجتناب‌ناپذیر و پذیرفتنی است؛ اما پرسش اصلی اینجاست که آیا با پذیرش فرض مذکور، روایت زندگی کسانی که برای هدایت انسان‌ها خلق شده‌اند، برای تغییر زندگی دنیوی انسان‌ها و تعالی آنها، مؤثر خواهد بود؟ آیا فیلم با صرف هزینه‌های گزاف به اهداف نهایی خود و شکل‌دهی مثبت و راهبردی به جامعه دست خواهد یافت؟ یا صرفاً تمرکز بر اساس کمیت و یک دور باطل است؟!

4. همچنین در راستای سازگاری مصداق با بازیگر، امکان سوء استفاده بازیگر با بازی در نقش این افراد، ترویج خرافات و یا حتی تقدیس بازیگر با این ویژگی‌ها از سوی مخاطب وجود خواهد داشت.

5. سرانجام از آنجا که در فقه، مقدمه حرام، حرام است و به تصویر کشیدن چهره‌های معصومان علیهم السلام و تالی تلو آنها به صورت پویا، مقدمه‌ای برای ایجاد مفسده، فساد و تالی فاسد که مواردی از آنها ذکر شد، می‌شود؛ بنابراین شمایل‌نگاری و تصویرگری چهره‌های این افراد با مشکل روبه‌رو است.

6. سخن آخر اینکه بهتر است امور ملکوتی را با ساده‌سازی، مبتدل و دنیوی نسازیم و امر فراتر از محسوس را نازل و عادی جلوه ندهیم و مهم‌تر از همه اینکه برای جذابیت بیشتر داستان، عظمت این بزرگواران را پایین نیاوریم و مقام و شأن الگوهای اخلاق و دین را با یک نگاه عامه‌پسند گره نزنیم. به نظر می‌رسد بهترین راه حل برای نشان دادن چهره معصومان علیهم السلام و تالی تلو آنها، به مانند انوار الهی، نمایش آنها در حاله‌ای از نور باشد. همچنان که فقیه عالی‌قدر آیت الله مکارم به آن تصریح داشتند. لطفاً برای مشاهده عکس‌ها به فایل پی‌دی‌اف مراجعه کنید

// منابع

- قرآن کریم
آخوندی، مریم. 1386. «سیمای رسانه‌های زن، فرصت‌ها و چالش‌های فرارو». روزنامه کیهان. شماره 18842.
انصاری، مرتضی. 1415 ق. المکاسب المحرمه. کنگره جهانی بزرگداشت شیخ انصاری.
بهجت، محمدتقی. 1428 ق. استفتانات. قم: دفتر حضرت آیت الله بهجت.
جوادی آملی، عبدالله. 1374. تفسیر موضوعی قرآن مجید. قم: رجا.
خامنه‌ای، سید علی. 1380. اجوبه الاستفتانات. تهران: بین المللی الهدی.
دالگرن، پیتر. 1380. تلویزیون و گستره عمومی. ترجمه: مهدی شفقتی. تهران: سروش.
دشتی، محمد. 1379. نهج‌البلاغه. قم: نشر الهادی، چاپ ششم.
صافی، لطف الله. 1385. جامع الاحکام. قم: دفتر نشر آثار حضرت آیت الله صافی گلپایگانی.
مجلسی، محمدباقر. 1403 ق. بحار الانوار. بیروت: دارالاحیاء التراث العربی. جلد 44 و 45.
محمودی، سید محسن. 1388. مسائل جدید از دیدگاه علما و مراجع تقلید. قم: انتشارات علمی فرهنگی صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف
مسعودی، محمد فاضل. 1384. الاسرار الفاطمیه. تهران: طلایع نور.
مصباح، محمدتقی. 1385. آموزش عقاید. تهران: امیر کبیر.
مکارم شیرازی، ناصر. 1367. تفسیر نمونه. قم: نشر دارالکتب الاسلامیه.
مکارم شیرازی، ناصر. 1383. استفتانات جدید. قم: مدرسه الامام علی ابن ابی طالب.
مکارم شیرازی، ناصر. 1388. مسائل کثیر الإبتلاء. قم.
التمازی الشاهرودی. 1366. مستدرک سفینه البحار. تهران: بنیاد بعثت. جلد سوم.
نوری، حسین. 1388. هزار و یک مسئله فقهی. قم: مؤسسه مهدی موعود. جلد دوم.

دیدگاه‌های آیت الله جوادی آملی درباره بازسازی چهره معصومان در تلویزیون. شهریور 1390. به آدرس: Soroush press.ir
دیدگاه متفاوت آیت الله جوادی آملی درباره نشان دادن صورت ائمه در فیلم‌ها. شهریور 1390. به آدرس: Hamshahrionline.ir تاریخ بازیابی:

1. کارشناس ارشد جامعه‌شناسی. (2) mrakhoondi@alumni.ut.ac.ir. التصوير قسمان مجسم و غیره، والاول كالصنم المنحوت من الصخر او الحفر فی الصخر و غیره والثانی هو ما یرسم بالریشہ علی الورقہ و غیرها و یسمى النقش و التمثال یطلق علی المجسم و غیره. 3. لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ. 4. لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ. 5. إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا. 6. قال ابو جعفر محمد بن علی الباقر: 7. یا جابر ...، ثم قال لمحمد 9 و عزتی و جلالی و علو شانای لولاک و لولا علی و عتر تکما الھادون المھدبون الراشدون ما خلقت الجنه و النار و لا المکان و لا الارض و لا السماء و لا الملائکة و ... 7. لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا. (احزاب: 33) 8. ان الله الصطفى آدم و نوحا و آل ابراهيم و آل عمران علی العالمین. خداوند آدم و نوح و خاندان ابراهيم و خاندان عمران را بر جهانیان برگزید. سوره آل عمران: 33. 9. یا عمه انت بحمدالله عالمه غیر معلمه و فهیمه غیر مفهمه. عمه جان، تو عالمه ای هستی بدون اینکه معلم داشته باشی و فهیمه ای هستی بی اینکه مطالب را به تو فهمانده باشند. 10. لا یقاس بال محمد من هذه الامه احد. 11. استفتا اینترنتی از دفتر معظم له.